

“Ontology of cultural project”, cross-cycle configuration

Aliakbar Baghaie, Ph.D. candidate in Cultural management and planning, Faculty of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Email: aa.baghaie@gmail.com

Abbasali Ghayoumi, Associate Professor of Cultural management and planning, Department of Cultural management, Faculty of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: ghayoomi@gmail.com (Corresponding author)

Sayedreza Salehiamiri, Associate Professor of Cultural management and planning, Department of Cultural management, Faculty of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: dr.salehiamiri@gmail.com

Abstract

The ontology of the cultural project has not been taken seriously among cultural researchers as it deserves. It can be said that part of the wandering of cultural actions is caused by the lack of supporting models for project design and the weakness of the ontological support of the existing models. This research was conducted with the aim of configuring a structure for the ontology of the cultural project, based on the research approach of qualitative content analysis. In the implementation of this strategy, for the stage of data collection from the library method and systematic review, for the stage of data analysis and combination, from the meta-synthesis method, for the implementation of the meta-synthesis method, from the Sandelowski and Barroso model, for the implementation of this model from the coding technique and for the implementation of this technique MAXQDA software tool was used. Among the reviewed models, methods and methodologies, in total, 10 options were selected to perform meta-synthesis. This research believes that the cultural project, only with the action of the executive. It does not end, but its completion requires action on the part of the audience. This research defines the cultural project in the form of eight main components and six sub-components, which are located on two sides of the performer and the audience. Finally, based on a cyclic narrative of the cultural project, by placing these components in an intersecting rotational process, the ontological structure of the cultural project has been configured.

Keywords

Ontology; cultural operations; cultural project; meta-synthesis; systematic approach



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

«هستی‌شناسی عملیات فرهنگی»، صورت‌بندی چرخه متقاطع

علی اکبر بقایی^۱، عباسعلی قیومی^۲، سیدرضا صالحی امیری^۳

چکیده

هستی‌شناسی عملیات فرهنگی آن‌چنان‌که ضروری و شایسته است در بین فرهنگ‌پژوهان جدی گرفته نشده است. به‌جرت می‌توان گفت بخشی از سرگردانی و نوسان مشهود در اقدامات فرهنگی، متأثر از نبود مدل‌های پشتیبان طراحی عملیات و ضعف پشتوانه هستی‌شناسی مدل‌های موجود است. این پژوهش باهدف صورت‌بندی ساختاری برای هستی‌شناسی عملیات فرهنگی، مبتنی بر رویکرد پژوهشی تحلیل محتوای کیفی با اتخاذ استراتژی تجزیه و ترکیب انجام گردید. در عملیاتی‌نمودن این استراتژی، برای مرحله گردآوری و گزینش داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و مرور نظام‌مند، برای مرحله تجزیه و تحلیل و ترکیب داده‌ها، از روش فراترکیب، برای اجرای روش فراترکیب، از الگوی هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو، برای پیاده‌سازی این الگو از تکنیک کدگذاری و برای پیاده‌سازی این تکنیک از ابزار نرم‌افزاری مکس کیودی‌ای استفاده شده است. از بین مدل‌ها، روش‌ها و روش‌شناسی‌های بررسی‌شده، در مجموع، ۱۰ گزینه برای انجام فراترکیب برگزیده شد. این پژوهش قائل است عملیات فرهنگی، صرفاً با اقدام سمت مجری به فرجام نمی‌رسد، بلکه تکمیل آن نیازمند اقدام سمت مخاطب است. این پژوهش، عملیات فرهنگی را در قالب هشت مؤلفه اصلی و شش زیرمؤلفه تعریف می‌کند که مجموعاً در دو رسته جانب افاده یا مجری و جانب استفاده یا مخاطب قرار دارد. درنهایت نیز مبتنی بر روایتی چرخه‌ای از عملیات فرهنگی، با جانمایی این دو رسته در یک فراگرد چرخشی متقاطع، ساختار هستی‌شناسی عملیات فرهنگی صورت‌بندی شده است.

واژگان کلیدی

هستی‌شناسی؛ عملیات فرهنگی؛ پروژه فرهنگی؛ فراترکیب؛ رویکرد سیستمی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

۱. دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
aa.baghiaie@gmail.com
۲. دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
ghaiyoomi@gmail.com
۳. دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
dr.salehiamiri@gmail.com

مقدمه

فلسفه پس از رنسانس، متأثر از نگاه تجربه‌گرایانی چون فرانسیس بیکن^۱ و عقل‌گرایانی چون رنه دکارت^۲، از بحث‌های انتزاعی به سمت کاربردی شدن سوق داده شد. عبارت معروف فرانسیس بیکن: «علم قدرت است»، به‌خوبی بیانگر این است که اراده معطوف به علم، معرفت، فلسفه و مطلق دانش، کسب قدرت است. از همین رو فلسفه‌های مضاف مانند فلسفه هنر، فلسفه دین، فلسفه جامعه، فلسفه زبان و ... بعد از رنسانس توسعه یافت و تحول گسترده‌ای در راستای کاربردی شدن فلسفه پدید آمد (برگرفته از: خسروپناه، ۱۳۸۹).

فلسفه مضاف، دانشی است که به‌صورت فرانگرنه به تحلیل یا توصیف مضاف‌الیه خود می‌پردازد. با این تعریف، فلسفه مضاف از هستی‌شناسی^۳ مضاف‌الیه خود، مستغنی نیست. اساساً در نگرش شایع، فلسفه، همان هستی‌شناسی است. هرچند در دو سده اخیر، فلسفه به سمت معرفت‌شناسی، زبان‌شناسی و ذهن‌شناسی گرایش یافته است، مبحث هستی‌شناسی همچنان جایگاه والا و برتر خود را حفظ کرده است. حتی بسیاری از فیلسوفان می‌کوشند مباحث دیگری را که در فلسفه مطرح می‌شود، به‌گونه‌ای به هستی‌شناسی ارجاع دهند. در فلسفه‌های مضاف، که برشی از فلسفه هستند و به اقتضای موضوع آن محدود شده و در واقع مضاف به موضوع خاص شده‌اند، شناخت وجود موضوع از اهمیت بسیاری برخوردار است. با وجود اهمیت هستی‌شناسی در فلسفه، متأسفانه این مسئله بین جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان و فرهنگ‌پژوهان چندان مطرح نبوده است. نگاهی گذرا به آثار جامعه‌شناسان و فیلسوفان فرهنگ نشان می‌دهد که هستی‌شناسی فرهنگ، از مباحث مغفول در میان این گروه از اندیشمندان است. با وجود اهمیت بسیار «هستی‌شناسی فرهنگ»، نبود نظری تصریح‌شده و معین از سوی فیلسوفان و فرهنگ‌پژوهان در این مبحث، از بی‌پیشینگی و دیریابی آن حکایت دارد (رشاد، ۱۳۹۱). بدیهی است، غفلت نسبت به تأملات هستی‌شناسانه، صرفاً به لایه‌های زیرین و عمیق، مانند کلان موضوع فرهنگ محدود نمی‌ماند و تا لایه‌های انضمامی و رویین‌تر این مقوله نیز امتداد پیدا می‌کند. به تعبیر کرایب (۱۳۸۶)، جهان فرهنگی همچون جهان اجتماعی، از دو نوع هستی متمایز تشکیل شده است: «عاملیت‌های انسانی» و «ساختارهای فرهنگی». کمبود و بلکه نبود مطالعات هستی‌شناسی در خصوص فعالیت فرهنگی، عملیات فرهنگی، عامل فرهنگی، محصول فرهنگی، سازمان فرهنگی

1. Francis Bacon

2. René Descartes

3. Ontology

و... مؤید این ادعا است که مقوله هستی‌شناسی فرهنگ، از لایه‌های عمیق تا رویین، با شدت و ضعف، مورد غفلت واقع شده است (کرایب، ۱۳۸۶: ۳۲).

هستی‌شناسی فرهنگ، پیرامون هستی‌های موجود در جهان فرهنگی و برخی احوال و احکام کلی آن‌ها بحث می‌کند (جمشیدی، ۱۳۹۱: ۱۴۳). اهمیت هستی‌شناسی فرهنگ به این دلیل است که فضا و دامنه تحرک مطالعاتی محقق فرهنگی را در جهان فرهنگی روشن می‌کند و نشان می‌دهد که او می‌بایست در کدام لایه وجودی از این جهان، پاسخ پرسش‌های فرهنگی خود را جستجو کند (بلیکی، ۱۳۸۹: ۳۰). یکی از علل سرگردانی در برخی مطالعات و مباحثات فرهنگی، ناشی از همین عدم تعیین محدوده جستجو و مذاکره است. هرچند معین بودن دامنه موضوعی، بدون مشخص بودن ساختار هستی‌شناسی موضوع، چندان از سرگردانی و پیچیدگی و نوسان و تشتت نمی‌کاهد.

با این وصف، یکی از الزامات مواجهه با حوزه فرهنگ و مسائل مترتب بر آن، ورود هستی‌شناسانه به این حوزه و متعلقات آن است. هستی‌شناسی عملیات فرهنگی یکی از مصادیق این ضرورت و الزام است. این نوشتار، گزارش پژوهشی است که در راستای شناخت سازه‌های وجودی عملیات فرهنگی انجام گرفته و صورت‌بندی ساختار هستی‌شناسی این پدیده را دنبال نموده است. خروجی این پژوهش، معرفی بن‌هستارهای عملیات فرهنگی و شبکه مناسبات آن‌ها با جانمایی در یک فراگرد چرخشی است که صورت‌بندی چرخه متقاطع نام‌گذاری شده است.

در پایان این بخش لازم است تعریف مختار پژوهشگر از کلیدی‌ترین مفهوم این پژوهش، یعنی عملیات فرهنگی ارائه گردد:

در اصطلاح‌شناسی^۱ مدیریت، واژه پروژکت^۲ برای اشاره به کارهای موقتی و واژه آپریشن^۳ برای اشاره به کارهای مستمر به کار برده می‌شود. در برگردان این دو واژه، عموماً واژه «پروژکت» بدون بازگردان، همان «پروژه» و «آپریشن» نیز «عملیات» ترجمه می‌شود. منتهی در اصطلاح‌شناسی فعالان فرهنگی کشور، غالباً از واژه عملیات به عنوان یک اقدام موقتی استفاده می‌شود. به عبارتی، «عملیات» در اصطلاح‌شناسی فعالان فرهنگی کشور معادل «پروژه» در اصطلاح‌شناسی عام مدیریت است. در این نوشتار، برای برگردان «پروژکت» از واژه «عملیات» و برای برگردان «آپریشن» از واژه «عمل» استفاده می‌شود. همچنین مفهوم «فعالیت فرهنگی» اعم از «عمل فرهنگی» یا

1. Terminology

2. Project

3. Operation

«عملیات فرهنگی» لحاظ شده است.

طبق تعریف راهنمای «پیکره دانش مدیریت پروژه»^۱ یا «پی‌ام‌باک»^۲، عملیات تلاشی است موقتی که برای تولید محصول، خدمات یا نتیجه‌ای منحصربه‌فرد انجام می‌شود. پس از تحلیل قالب‌بندی‌های مختلف، تعریف پیشنهادی این پژوهش برای عملیات فرهنگی چنین است: «مجموعه تلاش‌های آگاهانه، هدف‌مند، نظام‌مند و بازماندی که برای حل مسئله‌ای در مسیر پیشرفت فرهنگی یا پیشرفت یک فرهنگ، یا ناظر به وجوه انسانی و اجتماعی حل هر نوع مسئله‌ای، از طریق خلق و عرضه محصولی مشخص، انجام می‌شود، مشروط بر اینکه در یکی از وجوه مسئله، محصول یا مخاطب، یکتا باشد، عملیات فرهنگی محسوب می‌شود.»

پیشینه پژوهش

در نخستین گام از تحلیل پیشینه پژوهش، بر یافتن مطالعات معرف هستی‌شناسی عملیات فرهنگی تمرکز گردید. لیکن، علیرغم جستجوی گسترده‌ای که برای یافتن مطالعات مشابه داخلی و خارجی، پیرامون شناسایی و صورت‌بندی ارکان ساختاری و ابعاد هستی‌شناسی عملیات فرهنگی انجام شد، نتیجه قابل اعتنا و نمونه قابل ارائه‌ای به دست نیامد.

به‌طور منطقی، با توجه به نتیجه گام اول، باید در دومین قدم تحلیل پیشینه پژوهش، امکان و جواز اقتباس تلفیقی، بررسی می‌شود. بدین معنا که آیا می‌توان واکاوی و تعریف ابعاد هستی‌شناسی عملیات فرهنگی را مبتنی بر ترکیب مطالعات و مدل‌های دیگر حوزه‌های عملیاتی انجام داد؟ همچنین آیا تلاش‌ها و نمونه‌های مشابهی برای این نوع اقتباس و تلفیق وجود دارد؟

در ادامه، خلاصه‌ای از نتایج جستجو در این دو زمینه، یعنی جایگاه و جواز ترکیب مدل‌های مختلف در پارادایم‌های مشابه یا متفاوت و نیز نمونه‌هایی از اقتباس‌های ترکیبی ارائه شده است.

جایگاه ترکیب مدل‌ها

در دهه ۷۰ میلادی، محققان به این باور رسیدند که رویکردهای سیستمی موجود برای مواجهه با مسائل پیچیده قابلیت لازم را ندارد. در همین راستا رویکردهای

1. Project Management Body Of Knowledge

2. PMBOK

سیستمی نرم با هدف ساختاردهی مسائل معرفی شدند (Ramírez, Selsky & van der Heijden, 2008: 50). از این زمان، نگرانی‌های بسیاری در مورد روش و مکتب عمومی اندیشه علمی اجتماعی پدید آمد. بر همین اساس «جنگ‌های پارادایمی» بین محققان کمی و کیفی به این امید کنار گذاشته شد که علوم اجتماعی معاصر از تقابل روش‌شناسی‌های کمی و کیفی رهایی یابد. از این‌رو برخی محققان، بازخوانی تحقیقات پراگماتیستی‌هایی چون پیرس^۱، دیویی و بنتلی^۲ را آغاز کردند. آن‌ها با اتخاذ رویکردی نوپراگماتیستی و اجتناب از موضع‌گیری‌های تک‌پارادایمی به بازتعریف و مفهوم‌بندی دوباره اصول پارادایمی علوم اجتماعی پرداختند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

پراگماتیست‌های معاصر، منتقد این باور متعارف هستند که جهان واقعی را صرفاً از طریق یکی از پارادایم‌های اثباتی یا تفسیری می‌توان شناخت. با توجه به این مواضع، فلسفه پراگماتیسم از سوی برخی روش‌شناسان معاصر به‌عنوان بنیان فلسفی نوعی روش‌شناسی جدید تحت عنوان «روش‌شناسی تحقیق با شیوه‌های ترکیبی» مد نظر قرار گرفت (Bergman, 2008). متفکران مکتب انتقادی در حوزه سیستم‌ها معتقد بودند که اگر همه روش‌شناسی‌های سیستمی دارای قوت و ضعف هستند، چرا از آن‌ها به‌صورت ترکیبی و مکمل برای مجموعه‌ای از موقعیت‌های مسئله و اهداف مختلف استفاده نشود. لذا ایده روش‌شناسی چندگانه و ترکیبی، مشخصاً از دهه ۸۰ با تلاش‌های اندیشمندان مکتب انتقادی سیستم‌ها و در چارچوب مفاهیمی مانند کثرت‌گرایی روش‌شناسانه مطرح گردید. این اندیشمندان درباره انتخاب از بین روش‌ها بر اساس موقعیت مسئله و ترکیب آن‌ها بحث کرده‌اند (Midgley, 1997). در کل می‌توان ادعا نمود که درباره مفیدیت این ترکیب‌ها در میان محققان مدل‌سازی، به‌ویژه در تکنیک‌های تحقیق در عملیات، اجماعی نسبی وجود دارد (Howick & Ackermann, 2011).

مشروعیت تئوریک و کاربردی ترکیب رویکردها و پارادایم‌های متفاوت، همواره به‌عنوان چالشی در بین محققان سیستمی بوده است.

کوتیادیس^۳ و مینگرز^۴ (۲۰۰۶) ترکیب روش‌های مختلف از پارادایم‌های مختلف را ممکن دانسته‌اند و معتقدند که موقعیت‌های متفاوت، استفاده از روش‌هایی از

1. pierce
2. Bentely
3. Kotiadis
4. Mingers

پارادایم‌های مختلف را ضروری می‌کند؛ اگرچه مبانی فلسفی و مفروضات اساسی روش‌ها را نباید نادیده گرفت.

روش‌های منفرد با وجود تمام محدودیت‌ها، به‌خوبی در حوزه‌های علمی مختلف توسعه داده شده‌اند؛ ولی به تعبیر برخی اندیشمندان، بهره‌گیری از روش‌شناسی‌های چندگانه و فراپارادایمی، به‌منظور حل و فصل مسائل پیچیده و چندبعدی، اجتناب‌ناپذیر است (Jackson, 2003).

بررسی‌های مونرو^۱ و مینگرز (۲۰۰۲) نشان می‌دهد که روش‌شناسی سیستمی چندگانه به‌شکل درخور توجهی بین متفکران سیستمی رایج شده است و از موفقیت بیشتری نسبت به رویکردهای منفرد برخوردار است. البته این روش‌ها نیز با انتقادهایی همچون نداشتن تکنیک و روش تجربه‌شده، آرمان‌گرایی بیش از حد (فلود^۲ و جکسون، ۱۹۹۱) و نداشتن روش و الگوی مشخص و نگاه بیش از حد محلی و محدود به مسائل (Jackson, 2003). مواجه شدند.

برخی مطالعات در بررسی پیشینه ترکیب روش‌ها، به ترکیب روش‌هایی درون یک پارادایم با یکدیگر یا روش‌هایی از پارادایم‌های مختلف می‌پردازند. مبحث بعدی مورد توجه، وسعت ترکیب روش‌ها و پاسخ به این سؤال است که آیا روش‌ها به‌طور کامل، یا به‌صورت جزئی و تنها بخشی از روش‌ها با یکدیگر ترکیب می‌شوند. سومین بحث، مربوط به استراتژی و چگونگی ترکیب روش‌ها با یکدیگر است. روش‌ها می‌توانند به‌صورت متوالی یا سری، موازی و درهم‌تنیده با هم ترکیب شوند. مبحث چهارم نیز به انتخاب پارادایم غالب برمی‌گردد. اینکه آیا پارادایم و مفروضات یک روش باید بر روش‌های دیگر غالب باشد یا خیر و سهم مفروضات همه روش‌ها یکسان است و هیچ‌کدام از روش‌ها حداقل بر دیگری تسلط ندارد (محقر، انصاری، صادقی‌مقدم و میرکاظمی‌مود، ۱۳۹۷: ۱۴).

میجلی (۱۹۹۷) معتقد است طراحی خلاقانه از ترکیب یا سنتز روش‌های موجود نشأت می‌گیرد. با وجود این، در طراحی خلاقانه روش‌ها، روش‌هایی از مجموع روش‌های استفاده‌شده متفاوت بوده و اصول و مفروضات مربوط به خود را دارد که از تفسیر سایر روش‌ها به دست آمده است. مینگرز (۲۰۰۱) معتقد است فرایند ترکیب و اتصال روش‌شناسی‌ها و روش‌ها، نیازمند تجزیه و طبقه‌بندی نظام‌مند مدل‌ها است. این تجزیه می‌تواند بر معیار اصول زیربنایی، مراحل روش اجرایی و یا تکنیک‌ها و

1. Munro

2. Flood

ابزارها انجام شود. کوالسزیک^۱ (۲۰۰۴) و کوتیادیس و مینگرز (۲۰۰۶) نیز به لزوم بررسی اصول و مفروضات اصلی روش‌ها، پیش از ترکیب آن‌ها اشاره کرده‌اند. پرداختن به رویکرد چندپارادایمی یا فراپارادایمی، در برخی مجامع، معادل انگ پیشاپارادایمی و علمی‌نبودن است و اندیشمندانی هستند که به این رویکرد خوش‌بین نیستند و آن را کارساز نمی‌دانند: ففر^۲ (۱۹۹۳) کاهش چندگانگی و گسترش تنها یک پارادایم را پیشنهاد می‌کند. دانلدسن^۳ (۱۹۹۸) نیز وضعیت چندپارادایمی را سدی در راه بالندگی علم سیستمی می‌داند و بیان می‌دارد که این وضعیت بیش از چندگونگی دیدگاه‌ها و ژرف‌اندیشی، به کوته‌بینی و انحصار انجامیده است. برخی پژوهشگران مانند (ویلموت^۴، ۱۹۹۳)، (میلر^۵، ۲۰۰۷) (جکسون و کارتر^۶، ۱۹۹۱) فراتر رفتن از مرزهای زندان پارادایم‌های غالب و نوآوری‌های ناسازگار با هنجارهای رایج را پیشنهاد می‌دهند. جکسون و کارتر (۱۹۹۱ و ۱۹۹۳) بر این باورند با رویکردهای دیالکتیکی چندپارادایمی نمی‌توان جنگ پارادایم‌ها را فرو نشانند، زیرا موضوع بررسی آن‌ها متفاوت است و در این میان قدرت را دست‌اندرکار می‌بینند و هوادار جدایی پارادایم‌ها برای میدان‌دادن به اندیشه‌های تازه‌اند (نقل از خالقی، ۱۳۹۱). کوالسزیک (۲۰۰۴) به صعوبت ترکیب روش‌های ذیل پارادایم‌های متفاوت اشاره کرده ولی این نوع ترکیب را مشروط بر توجه به مبانی و اصول پارادایم‌ها و ابتناء بر یک روش مشخص، ممکن و مجاز می‌داند. برخی از جمله هسرد^۷ (۱۹۸۸)، شولتز^۸ و هتچ^۹ (۱۹۹۶)، ویلموت (۱۹۹۳) و جویا^{۱۰} و پیتری^{۱۱} (۱۹۹۰)، گفتگوی پارادایم‌ها را ممکن می‌دانند و نمونه‌هایی نیز آورده‌اند.

مینگرز و بروکلسبی^{۱۲} (۱۹۹۷) سطوح مختلف دشواری در ایجاد روش‌شناسی‌های چندگانه را شناسایی کرده و آن‌ها را در پنج دسته دشواری‌های فلسفی، دشواری‌های

1. Kowalczyk
2. Pfeffer
3. Donaldson
4. Willmott
5. Miller
6. Carter
7. Hassard
8. Schultz
9. Hatch
10. Gioia
11. Pitre
12. Brocklesby

فرهنگی، دشواری‌های شناختی، دشواری شخصی‌های و دشواری‌های عملیاتی طبقه‌بندی کرده‌اند. شاید بتوان مهم‌ترین محدودیت مورد توجه در ترکیب روش‌ها را محدودیت‌های فلسفی، بالاخص در ترکیب روش‌هایی از پارادایم‌های متفاوت خواند. پیداً (۲۰۰۴) بر این باور است اگر نظر کوهن^۲ (۱۹۷۰) درباره تفاوت پارادایم‌های علمی درست باشد، امکان ترکیب دو روش از دو پارادایم‌های متفاوت با مشکل مواجه می‌شود. ولی در عین حال او به کاربست‌های موفق هم‌زمان رویکردهای سخت و نرم هم اشاره می‌کند و عنوان می‌دارد که یا ادعای کوهن اشتباه است و یا اینکه مثلاً رویکردهای سخت و نرم اساساً از پارادایم‌های متفاوتی نیستند.

در مجموع، چهار حالت برای ترکیب روش‌ها ممکن است: حالت اول، ترکیب کامل روش‌ها در سطح نظری و پارادایمی با یکدیگر است. این ترکیب زمانی ممکن است که دو روش از لحاظ پارادایمی و اهداف با یکدیگر در تضاد نباشند و نوعی تطبیق میان روش‌ها اتفاق می‌افتد (Taket & White, 1998). حالت دوم، ترکیب جزئی در سطح ابزارها و تکنیک‌هاست. این حالت برای زمانی است که هرچند روش‌ها از پارادایم‌های متفاوت و حتی متضاد هستند، اما در سطوح پایین‌تر مثل ابزار و فرایند و تکنیک قابل ترکیب باشند. در این حالت، معمولاً یکی از روش‌ها محور قرار می‌گیرد و ابزارها و تکنیک‌های روش دیگر در چارچوب پارادایمی روش اصلی به کار گرفته می‌شوند (Howick, & Ackermann, 2011). در حالت سوم، روش‌ها نه تنها در لایه‌های پارادایمی که در سطح ابزاری نیز در تعارض هستند. ولی با این حال، روش‌های منتخب دارای نقاط برجستگی‌هایی هستند که ترکیب آن‌ها می‌تواند نتایج مفیدی را رقم بزند. در این حالت، روش‌ها را می‌توان به شکل متوالی یا موازی ترکیب نمود. در این حالت نیز مرزهای پارادایمی و نظری روش‌ها جابجا نمی‌شود و تنها از کارکرد آن‌ها در جایگاه خود بهره‌برداری می‌شود (Schultz & Hatch, 1996). حالت چهارم نیز زمانی است که با توجه به تعارض‌های پارادایمی و فلسفی و همچنین تفاوت‌های تکنیکی و ابزاری، امکان ترکیب روش‌ها به دلیل احتمال شکست وجود ندارد (محقق و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۰).

نمونه‌هایی از ترکیب مدل‌ها

به هر تقدیر، با تمام ملاحظات موجود در خصوص ترکیب مدل‌ها، تلاش‌های جدی‌ای در این زمینه انجام شده است. یکی از تلاش‌های صورت گرفته در جهت تحقق تکثرگرایی در روش‌شناسی‌های سیستمی، معرفی «روش‌شناسی مداخله سیستمی

1. Pidd

2. Kuhn

جامع» بر اساس «فلسفه سیستمی انتقادی»^۱ است. پس از فرمول‌بندی «فلسفه سیستمی انتقادی» به‌عنوان یک فلسفه و تئوری، فلود و جکسون (۱۹۹۱)، روش‌شناسی «مداخله سیستمی جامع» را به‌عنوان یک فراروش‌شناسی با هدف عملیاتی‌سازی «فلسفه سیستمی انتقادی» معرفی نمودند.

رویکرد پویایی‌شناسی نرم‌سیستمی^۲ نیز حاصل تلفیق دو رویکرد سیستمی از دو الگوی مختلف، یعنی «پویایی‌شناسی سیستمی» و «رویکرد سیستمی نرم» است. این رویکرد به‌طور خاص بر پایه تلاش‌های اقدام‌پژوهی طولانی مدت رودریگز اولوا^۳ است که در سال ۱۹۹۲ شروع و با ظهور رسمی رویکرد پویایی نرم‌سیستمی در سال ۱۹۹۹ به اوج رسید. زلاتانویچ^۴ نیز در سال ۲۰۱۷ یک رویکرد ترکیبی چندگانه برای حل مسائل پیچیده با ترکیب «آشکارسازی و آزمودن مفروضات راهبردی»، «همپارچگی تیمی» و «مدل سیستم مانا» معرفی کرده است. سوشیل^۵ نیز در سال ۲۰۱۸ پژوهشی درباره ارتباط دادن روش‌های سیستمی انعطاف‌پذیر و ترکیب آن‌ها با رویکرد سیستمی چندگانه انجام داده است. وو^۶ و همکاران (۲۰۱۵) چارچوبی چندلایه‌ای با هدف یکپارچه‌سازی مدل‌های سیستم‌های فنی و اجتماعی پیشنهاد می‌دهند. مطالعه هاویک، آکرمن، والز^۷، کوايگلی^۸ و هاتون^۹ در سال ۲۰۱۷ با اجرای ارزیابی یک مطالعه موردی مرتبط با یک پروژه سیستم‌های انرژی، در خصوص نقاط یادگیری ترکیب عملی روش‌ها و مسیرهای تحقیقاتی آینده، پیشنهادهایی ارائه می‌دهد. کوتیادیس و مینگرز (۲۰۰۶) با پیشنهاد مفهوم روش‌شناسی چندگانه-پارادایم چندگانه و اجرای یک مطالعه موردی با ترکیب روش‌های روش‌شناسی سیستم‌های نرم و شبیه‌سازی گسسته پیشامد، نشان می‌دهند که استفاده و ترکیب روش‌های موجود در یک پارادایم، چندان مشکل‌زا نیست و نیازمندی‌های یک موقعیت مسئله ممکن است ما را مجبور کند تا از ترکیب روش‌هایی حتی از پارادایم‌های متفاوت استفاده کنیم و محدودیت‌هایی همچون تناسب پارادایمی مانعی برای چنین ترکیباتی نیست. هر چند آن‌ها نیز در نتیجه‌گیری مطالعه خود به این واقعیت اذعان دارند که مفروضات فلسفی و نظری نباید نادیده گرفته شود.

1. Critical Systems Thinking (CST)
2. Soft System Dynamic Methodology (SSDM)
3. Rodriguez - Ulloa
4. Zlatanović
5. Sushil
6. Wu
7. Walls
8. Qigley
9. Houghton

برای تحقیقات داخلی در زمینه ترکیب روش‌ها می‌توان به تحقیقات صادقی مقدم، خاتمی و ربانی (۱۳۹۰) با هدف ارائه روشی برای حل مسائل اجتماعی غیرساختاریافته با ترکیب ابزارهای مربوط به روش‌های پویایی سیستم، روش‌شناسی سیستم‌های نرم و نگاشت‌شناختی^۱ برای مدل‌سازی سیستم کنترل قاپاق مواد مخدر اشاره کرد. همچنین، مصلح‌شیرازی، رعنائی، ایمان و تاجیک (۱۳۹۵) نیز در مطالعه‌ای به مرور پیشینه و معرفی مبانی فلسفی روش‌شناسی سیستمی چندگانه، دشواری‌ها و اصول مربوط به آن‌ها پرداخته‌اند. صمدی‌فروشانی و حسین‌زاده (۱۳۹۸) منطبق با موقعیت مسائل سازمانی در ایران و با استفاده از چارچوب روش‌شناسی چندگانه تحقیق در عملیات، فراترکیب پویایی‌شناسی نرم سیستمی را در موقعیت‌های پیچیده با فرض قدرت یکسان مشارکت‌کنندگان پیشنهاد داده‌اند. این پژوهشگران همچنین مبتنی بر چارچوب مداخله سیستمی در حل مسائل پیچیده، یک روش ابداعی تحت عنوان فراترکیب آشکارسازی مفروضات استراتژیک پویایی سیستم^۲ را از ترکیب دو مدل «پویایی‌شناسی سیستم‌ها» و «آشکارسازی و آزمون مفروضات راهبردی» معرفی کرده‌اند. علی محقر و همکاران (۱۳۹۷) با استفاده از روش فراترکیب تفسیری انتقادی توسعه‌یافته و بهره‌مندی از دیدگاه پارادایم چندگانه-روش‌شناسی چندگانه، یک چارچوب راهنما برای ترکیب روش‌های مدل‌سازی سیستم‌های فنی اجتماعی ارائه داده‌اند.

در مجموع، با عنایت به آنچه بیان شد، ترکیب مدل‌های مختلف فرهنگی و غیرفهرنگی، برای استخراج ساختار هستی‌شناسی عملیات فرهنگی، نه تنها ناممکن و غیرمجاز نیست، بلکه با انتخاب مدل‌های معتبر و روش ترکیب مناسب، امکان استحصال نتیجه‌ای مناسب و معرفی مدلی دقیق و بدیع وجود دارد. بر همین اساس، در ادامه روند پژوهش، جستجوهای بر کشف مطالعات و مدل‌هایی در دیگر حوزه‌های عملیاتی، برای تأمین بن‌مایه‌های نظری تحقیق، متمرکز گردید.

مبانی نظری پژوهش

جستجو برای یافتن مدل‌های معتبر و تجربه‌شده‌ای که به تعریف ساختار عملیات پرداخته‌اند، مستلزم تعیین کلیدواژه‌ها و معیارهای جستجو است. این پژوهش برای صورت‌بندی ساختار هستی‌شناسی عملیات فرهنگی بر اساس رویکرد سیستمی تعریف شده است. عملیات فرهنگی نیز طبق تعریف ارائه‌شده، عین با حل مسئله است.

1. Cognitive Mapping (CM)

2. Strategic Assumption Surfacing and Testing (SAST) + System dynamics (SD):(SASD)

با این وصف، چهار کلیدواژه «هستی‌شناسی»، «مدیریت عملیات»، «حل مسئله» و «رویکرد سیستمی»، به عنوان نواحی جست‌وجو برای احصاء مدل‌های پشتیبان پژوهش انتخاب گردید. این احصاء مبتنی بر روش مرور نظام‌مند^۱، منطبق بر گزارش ارائه‌شده در بخش روش پژوهش انجام پذیرفت.

با بررسی مدل‌ها، روش‌ها و روش‌شناسی‌های گوناگون در چهار ناحیه ذکرشده، مطابق جدول ۱، در مجموع ۱۰ مدل که در واقع بن‌مایه‌های محتوایی یا مبانی نظری این پژوهش است برای انجام فراترکیب برگزیده شد. در ادامه، به اقتضای محدودیت‌های این نوع نوشتار، مختصات شناسنامه‌ای این مدل‌ها به اجمال معرفی می‌شود.

جدول ۱. مدل‌های منتخب برای انجام فراترکیب

ردیف	عنوان فارسی مدل	عنوان انگلیسی مدل
۱	روش‌شناسی سیستم‌های نرم	Soft Systems Methodology
۲	نظریه فعالیت تاریخی فرهنگی	Cultural Historical Activity Theory
۳	نگاشت پیامدها	Outcome mapping
۴	پایش فرایندی تأثیرات	Process Monitoring of Impact
۵	برنامه‌ریزی مبتنی بر مفروضات	Assumption Based Planning
۶	ارزیابی حوزه استراتژیک	Strategic Area Assessment
۷	برنامه‌ریزی تعاملی	Interactive planning
۸	هستی‌شناسی کسب‌وکار/ بوم مدل کسب‌وکار	Business Model Canvas / Business Ontology
۹	بوم ناب	Lean Canvas
۱۰	منشور پروژه پی‌ام‌باک	PMBOK project charter

«روش‌شناسی سیستم‌های نرم» توسط پیتر چکلند^۲ در اواخر دهه ۱۹۶۰ در دانشگاه لنکستر^۳ انگلستان توسعه یافته است. روش‌شناسی سیستم‌های نرم با اینکه در ابتدا به عنوان ابزاری برای حل مسئله در نظر گرفته می‌شد، در ادامه، توسعه یافته و بیشتر به سوی یادگیری و آگاهی‌گرایش پیدا کرده است. رویکرد سیستم‌های نرم یک روش‌شناسی است. با این حال این رویکرد معمولاً در قالب یک روش هفت مرحله‌ای تشریح می‌شود. رویکرد تثبیت‌شده هفت مرحله‌ای، مفاهیم زیربنایی این روش را به

1. Systematic review
2. Checkland, P. B.
3. Lancaster

روشن‌ترین حالت بیان می‌کند. پنج مرحله از این مراحل بر موقعیت واقعی تمرکز می‌کند و دوگام دیگر کاملاً به تفکر سیستمی و مفهومی درباره موقعیت وابسته است. موفقیت این رویکرد، بستگی به توانایی در مجزاکردن مراحل تفکر سیستمی از مراحل جهان واقعی دارد.

«نظریه فعالیت تاریخی فرهنگی» توسط فیلسوف تاریخ، الکسی لیونتوف^۱ در دانشگاه ایالتی مسکو در دهه ۱۹۶۰ توسعه یافت. این رویکرد بر نظریه‌های لیو ویگوتسکی^۲ در مورد شناخت و یادگیری استوار است. ویگوتسکی معتقد بود که یادگیری به صورت یک فرایند اجتماعی در «منطقه تقریبی رشد»^۳ اتفاق می‌افتد.

یک تحقیق مبتنی بر نظریه فعالیت تاریخی فرهنگی متشکل از سه مؤلفه است: یک مؤلفه سیستمی که به ایجاد معنا از موقعیت‌ها کمک می‌کند. یک مؤلفه یادگیری که روشی برای آموختن از آن معناها است. یک مؤلفه توسعه‌ای که امکان گسترش و توسعه این معناها به ساحت اقدام و عمل را برقرار می‌کند. این سه مؤلفه از هفت گزاره پایه‌ای تشکیل می‌شود. پنج گزاره به استقرار مؤلفه‌های سیستمی، یک گزاره مستقیماً به یادگیری و گزاره نهایی به توسعه و رشد مربوط است.

«نگاشت پیامدها» رویکردی است برای برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی برنامه‌های تغییر اجتماعی. این رویکرد مجموعه‌ای از ابزارها و راهنمایی‌ها است که تیم‌های پروژه را به واسطه یک فرایند تکرارشونده، به منظور شناسایی تغییر مطلوب و در جهت همکاری برای تحقق آن تغییر، هدایت می‌کند. نگاشت پیامدها در سال ۲۰۰۱ به عنوان پاسخی به ضعف‌ها و انتقادات بر دیگر چارچوب‌های نظارت و ارزیابی به ویژه در حوزه‌هایی که شامل فرایند پیچیده طبیعی است توسعه یافت. نگاشت پیامدها مبتنی بر سه مرحله و ۱۲ گام است.

«پایش فرایندی تأثیرات» روشی برای راهبری مداخله‌ها است. این روش توسط ریچارد هامبلرونر^۴ در سال ۲۰۰۵ به عنوان رویکردی برای نظارت بر برنامه‌های سرمایه‌گذاری ساختاری اتحادیه اروپا توسعه یافت. تجربه نشان می‌دهد که استفاده از شاخص‌ها، صرفاً ارزش محدودی برای «راهبری» دارد؛ زیرا داده‌های هر شاخص یا خیلی دیر به دست می‌آیند که فایده خود را از دست می‌دهد، یا اطلاعات اندکی برای بهبود یک مداخله فراهم

1. Alexei Leontiev

2. Lev Vygotsky

3. Zone of proximal Development (ZPD)

4. Hummelbrunner, Richard

می‌کنند؛ بنابراین کنشگران برنامه می‌توانند (و باید) نه در قبال دستیابی عملی به نتایج و تأثیرات، بلکه در برابر کوشش‌ها و عملکرد خود مسئول باشند. پایش فرایندی تأثیرات، تلاشی برای صورت‌بندی این نوع پایش و ارزیابی است.

«برنامه‌ریزی مبتنی بر مفروضات» در جایی مابین برنامه‌ریزی و استراتژی قرار می‌گیرد و دیدگاه هنری مینتزبرگ^۱ مبتنی بر اینکه بیشتر فرایندهای برنامه‌ریزی استراتژیک منجر به برنامه‌های ناجور و استراتژی ضعیف می‌شود را مدنظر قرار داده و در جهت رفع این معضل بر می‌آید. این روش اعتقاد بر این دارد که برنامه‌ها به دلیل عدم توجه کافی به مفروضات زیربنایی خود شکست می‌خورند. در روش برنامه‌ریزی مبتنی بر مفروضات، پنج گام وجود دارد: ۱. شناسایی مفروضات پراهمیت، ۲. شناسایی نقاط آسیب‌پذیری مفروضات، ۳. تعیین علائم راهنما، ۴. اقدامات سازنده و ۵. تعریف اقدامات تأمینی (حفاظتی).

«ارزیابی حوزه استراتژیک» ابزاری برای توسعه محلی و منطقه‌ای، با شناسایی و ترکیب محتمل‌ترین استراتژی‌های ارتقاء نوآوری است. ابزار اصلی مورد استفاده در این روش، قطب‌نمای نوآوری^۲ است. رابرت لوکس^۳ این ابزار را متأثر از شرکت در یک تیم کارشناسی جهت اجرای برنامه انجمن اروپایی در توسعه روستایی و در یک پروژه تحقیقاتی برای ارزیابی پایداری در توسعه منطقه‌ای ایجاد کرد. (ویلیامز و هاملبرونر، ۱۳۹۳: ۱۶۹).

برنامه‌ریزی تعاملی مشخصاً برای رویارویی با بی‌سامانی‌های ناشی از پیچیدگی، تغییر و تنوع که در دنیای امروز پیش‌روی مدیران قرار دارد، طراحی شده است. به نظر ایکاف^۴ (۱۹۸۱)، کسانی که در دنیای سخت‌سیستمی که تأکیدش بر بهینه‌سازی^۵ و عینیت^۶ است کار می‌کنند، بی‌تردید نسبت به موضوعات مهم عصر سیستمی بی‌علاقه‌اند. اصرار بر بهینه‌سازی در دنیای گوناگونی ارزش‌ها و تغییرات سریع، به معنای از دست دادن پیوند با واقعیت است. سمت‌وسوی فلسفه کلی ایکاف تأییدی است بر آنچه که چرچمن^۷ مطرح می‌کرد. از نظر او دیدگاه متداولی که عینیت را ناشی از ساخت مدل‌هایی مستقل از

1. Henry Mintzberg
2. Innovation compass
3. Robert lukesch
4. Ackoff
5. optimization
6. objectivity
7. Churchman

ارزش‌ها می‌داند و صحت و سقم آن‌ها را جنبه‌های محدودی از دنیای واقعی می‌سنجد، منحرف‌کننده است. عینیت را در سیستم‌های اجتماعی تنها از طریق تعامل میان گروه‌ها و افراد دارای ارزش‌های گوناگون می‌توان مورد توجه قرار داد. به چنین عینیتی تنها از طریق علوم سیستم‌ها می‌توان نزدیک شد و نه توسط دانشمندان منفرد. عینیت در سیستم‌های اجتماعی ارزش‌مدار است و نه ارزش‌رها^۲.

«بوم کسب‌وکار» یکی از پرکاربردترین مدل‌های حال حاضر، در عرصه کسب‌وکارهای نوپا است. به منظور شناسایی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده مدل کسب‌وکار، تحقیقات مختلفی صورت گرفته که از این میان، کامل‌ترین تحقیق، پایان‌نامه دکترای الکساندر استروالدر است. این پژوهش تحت عنوان «هستی‌شناسی مدل کسب‌وکار، پیشنهادی در رویکرد علم طراحی»^۳ در سال ۲۰۰۴ تحت نظارت پروفیسور ایو پیگنیور^۴ با مطالعه روی کلیه نظراتی که قبل از آن در این حوزه ارائه شده، انجام گرفت. این هستی‌شناسی پشوانه بوم کسب‌وکار است.

مشکلی که در بوم مدل کسب‌وکار برای استارت‌آپ‌ها و کارآفرینان وجود دارد زمان‌بر بودن تهیه آن است. «بوم ناب» به عنوان اقتباسی از «بوم مدل کسب‌وکار» اولین بار در سال ۲۰۱۰ توسط آس موریاه ارائه شده است. این بوم در مقایسه با نوشتن یک طرح کسب‌وکار که غالباً زمان‌بر است، تصویری از ایده تجاری اولیه را به سرعت حاصل می‌کند؛ مانند بوم مدل کسب‌وکار، بوم ناب نیز دارای نه بخش است، با این تفاوت که بوم ناب به گونه‌ای تنظیم شده که پاسخگوی نیازهای یک استارت‌آپ ناب باشد. «منشور پروژه»، یک ابزار برای ارزیابی این شاخص‌ها و مفاهیم مهم دیگری در هر پروژه محسوب می‌شود. منشور پروژه، سندی است که دلایل انجام پروژه، الزامات، اهداف و سطوح اختیارات مدیر پروژه^۵ را مشخص و ذی‌نفعان اصلی را شناسایی می‌کند. راهنمای پی‌ام‌باک ۶ (۲۰۱۷)، منشور پروژه را «سندی» تعریف می‌کند «که توسط طراح یا حامی پروژه انتشار یافته و به طور رسمی موجودیت پروژه را تصویب و اختیار به کارگیری منابع سازمانی را در جهت انجام فعالیت‌های پروژه، به مدیر پروژه واگذار می‌کند».

1. Valuefull
2. Valuefree
3. The Business Model Ontology – A Proposition in a Design Science Approach
4. Yves Pigneur
5. Ash Maurya
6. Project manager

روش پژوهش

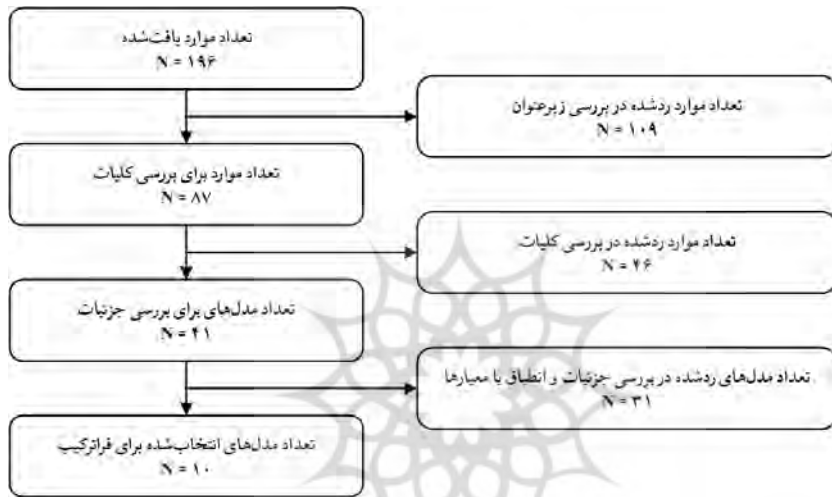
از آنجا که این پژوهش در پی ارائه ساختاری نظری در باب هستی‌شناسی عملیات فرهنگی است، انتخاب روش تحقیق باید متناسب با این هدف و تأمین‌کننده اقتضائات فرایندی استحصالی چنین ساختاری باشد. به عقیده استابروکس^۱ و همکاران (۱۹۹۴)، روش فراترکیب^۲ در مقایسه با مطالعات کیفی اولیه، به‌مراتب برای تولید نظریه مناسب‌تر است. لذا با بررسی تناسب هدف و روش و با مقایسه فراترکیب با دیگر روش‌های پژوهشی، در نهایت فراترکیب به‌عنوان روش مختار این پژوهش برگزیده شد. در مجموع، این پژوهش مبتنی بر رویکرد پژوهشی تحلیل محتوای کیفی با اتخاذ استراتژی تجزیه و ترکیب انجام گردید. در عملیاتی‌نمودن این استراتژی، برای مرحله گردآوری و گزینش داده‌ها از روش کتابخانه‌ای^۳ و مرور نظام‌مند، برای مرحله تجزیه و تحلیل و ترکیب داده‌ها، از روش فراترکیب، برای اجرای روش فراترکیب، از الگوی هفت مرحله‌ای سندلوسکی^۴ و بروسو^۵، برای طی پیاده‌سازی این الگو از تکنیک کدگذاری^۶ و برای پیاده‌سازی این تکنیک از ابزار نرم‌افزاری مکس کیودی‌ای^۷ استفاده شد.

سؤالات این پژوهش بر اساس وجوه چهارگانه سؤالات فراترکیب، عبارت است از:

- اجزاء اصلی و فرعی یا ساختار هستی‌شناسی یک عملیات و مشخصاً عملیات فرهنگی چیست؟
- روش‌شناسی‌ها، روش‌ها و تکنیک‌هایی که ساختار حل مسئله و یک عملیات (ترجیحاً در حوزه فرهنگی) را معرفی می‌کنند، کدام‌اند؟
- آیا محدوده زمانی برای انتخاب از جامعه مورد مطالعه تعریف می‌شود؟
- داده‌های اولیه و نتایج نهایی با چه رویکردی و روشی استخراج و استحصالی می‌شود؟
- معیارهای انتخاب مطالعات برای ورود به فرایند فراترکیب نیز عبارت است از:
- معرفی‌کننده ساختار هستی‌شناسی یک پدیده مشخص باشد.
- در میدان عمل آزمون شده باشد و مقبول نخبگان علمی و عملی باشد.
- برای موقعیت‌های نرم و انسانی یا قابل تطبیق با این موقعیت‌ها باشد.

1. Estabrooks
2. Meta-Synthesis
3. Library research
4. Sandelowski
5. Barroso
6. Coding
7. MAXQDA

● مبتنی بر نگرش سیستمی باشد یا شاخص‌های کلیدی این نگرش را تأمین کند. بر اساس جست‌وجوی اولیه، تعداد ۱۹۶ مورد، اعم از روش‌شناسی، روش، مدل، الگو، تکنیک و ابزار تعریف و اجرای پروژه در نواحی چهارگانه ذکرشده، شناسایی شد. در نمودار شکل ۱، مراحل غربالگری و تعداد ورودی و خروجی هر بخش درج شده است. در نهایت، ۱۰ مدل منتخب درج شده در جدول ۱ برای ورود به گام استخراج اطلاعات و ادامه فرایند انتخاب گردید.



شکل ۱. گام‌های گزینش مطالعات فراترکیب

برای استخراج داده‌های کلیدی از مدل‌های منتخب، منابع مرتبط با این مدل‌ها به‌صورت وسیع‌تر و دقیق‌تر مورد بررسی قرار گرفت و در احصای اولیه، ۳۲ کد باز استخراج گردید. پس از چند مرحله غربالگری برای حذف کدهای ضعیف یا تکراری و ادغام و خلاصه‌سازی آنها، در نهایت ۱۲ عدد کد باز که به ۲۸۹ فراز و گزاره از متون منبع نسبت داده شده بود، برای ادامه فرایند باقی ماند. لازم به ذکر است، از آنجا که این پژوهش در پی کشف ارکان هستی‌شناسی عملیات فرهنگی بود، انتخاب کدها به‌گونه‌ای انجام شد که وزن آنها در تراز ارکان هستی‌شناسی یک پدیده باشد و ساختاری موجز و مستحکم و در عین حال گویا برای ساختار پیشنهادی حاصل گردد. از حیث اعتبارسنجی، روایی کدگذاری این پژوهش با روش روایی محتوای کیفی^۱ با تأیید تناسب ابزار، روش، فرایند و فرآورده با هدف، توسط دو صاحب‌نظر تأمین

1. Qualitative content validity

گردید. برای سنجش پایایی نیز از ضریب سنجش توافقات کاپا استفاده شد. برای این منظور متون توضیحی منتخب در اختیار یک خبره آشنا با موضوع پژوهش و روش قرار گرفت و از ایشان درخواست شد با نگاه تولید یک مدل تلفیقی، فرایند کدگذاری را انجام دهند. پس از مذاکرات توجیهی پژوهشگر و کدگذار ارزیاب و بررسی تطابق‌ها و تغییرها، تعداد کدهای باز تعریف‌شده توسط دوکدگذار مبنای محاسبه ضریب سنجش کاپا قرار گرفت. ضریب کاپا با معادله زیر تعریف می‌شود:

$$K = \frac{Pr_a - Pr_e}{1 - Pr_e}$$

Pr_a : درصد اتفاق نظر مشاهده‌شده

Pr_e : درصد اتفاق نظری که فقط بر حسب شانس انتظار می‌رود.

با توجه به اینکه ضریب کاپای محاسبه‌شده برابر با $0/635$ به دست آمد و این عدد در دامنه توافق معتبر قرار دارد، پایایی کدگذاری پژوهش تأمین گردید.

۱- یافته‌های پژوهش

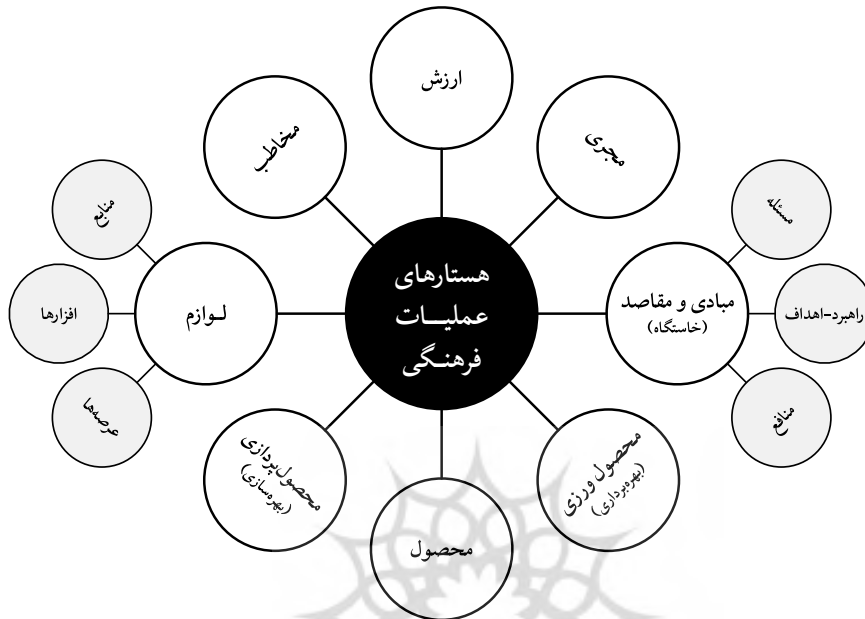
همانگونه که در گزارش فرایندی بیان شد، در مرحله کدگذاری باز، ۱۲ کد یا به تعبیری ۱۲ هستار برای عملیات فرهنگی تعریف گردید. این کدها در جدول ۲ درج شده است.

جدول ۲. هستارهای عملیات فرهنگی

ردیف	عنوان هستار	ردیف	عنوان هستار
۱	ارزش	۷	محصول‌پردازی (بهره‌سازی)
۲	افزارها	۸	محصول‌ورزی (بهره‌برداری)
۳	راهبرد-اهداف	۹	مخاطب
۴	عرصه‌ها	۱۰	مسئله
۵	مجری	۱۱	منابع
۶	محصول	۱۲	منافع

پس از مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری یا طبقه‌بندی کدها انجام گرفت. مطابق شکل ۲، در این مرحله، با تعریف دو کد جدید و قرار دادن شش کد باز در ذیل این دو کد محوری، بن‌هستارهای عملیات فرهنگی در هشت مقوله شناسایی گردید و

درختواره هستارهای عملیات فرهنگی متشکل از ۱۴ هستار صورت یافت.



شکل ۲. درختواره هستارهای عملیات فرهنگی

خلق یک نظریه یا تولید یک مدل با استفاده از روش فراترکیب، مستلزم شناخت و تعریف مناسبات کدهای باز و محوری در یک ساختار نظام‌مند، نمادین و استعاره‌ای است که از آن به کدگذاری نظری یا انتخابی تعبیر می‌شود. واقعیت این است که در کدگذاری نظری، ممکن است یک کد که از حیث نوع در زمره کدهای باز قرار دارد، در شکل‌گیری مدل بسیار تعیین‌کننده باشد و در سطوح کلان مدل استفاده شود. لذا باز یا محوری بودن یک کد، نشان‌گر اهمیت آن نیست. اینجا به معیار دیگری برای سطح اهمیت و نقش کدها در مدل‌سازی نیاز است. پژوهشگر برای معرفی مدل، سه سطح را برای رتبه‌بندی کدها برشمرده است. بالاترین سطح، «سطح رسته» است که طبقه‌بندی کلان کدها را نشان می‌دهد و بعد از آن طبقه‌ای تعریف و اضافه نمی‌شود. به عبارتی، سطح رسته زیرمجموعه دسته‌بندی دیگری قرار نمی‌گیرد. سطح بعدی، «سطح پایه» است که شکل‌گیری سطح رسته مبتنی بر این سطح است. با این وصف، سطح رسته الزاماً از نوع محوری است ولی کدهای سطح پایه الزاماً محوری نیست. پس از این دو سطح نیز تا هر لایه‌ای که کدگذاری انجام شده باشد، به عنوان «سطح ساده» مطرح می‌شود.

در این پژوهش، در مرحله کدگذاری نظری، دو کد رسته برای طبقه‌بندی بن‌هستارها و صورت‌بندی ساختار هستی‌شناسی عملیات فرهنگی تعریف شد. در جدول ۳، کدهای تعریف‌شده برای ارکان هستی‌شناسی عملیات فرهنگی و شرح مختصر هستارها درج شده است.

جدول ۳. کدهای تعریف‌شده برای صورت‌بندی ساختار هستی‌شناسی عملیات فرهنگی

ردیف	نوع کد	عنوان کد	سطح کد	شرح کد
۱	صرفاً محوری	افاده	رسته	یکی از دو جانب اصلی در ساختار عملیات فرهنگی است که متناظر با مجری عملیات است.
۲	صرفاً محوری	مبادی و مقاصد (خاستگاه)	پایه	مبادی، ناظر به عدم مطلوبیت ماندن در موقعیت آغازین و مقاصد، ناظر به مطلوبیت رسیدن به نقطه مطلوب است.
۳	صرفاً باز	مسئله	ساده	مسئله، بنیادی‌ترین مبدأ عملیات است. عملیات اساساً در نسبت با مسئله متولد می‌شود و هویت می‌یابد.
۴	صرفاً باز	راهبرد-اهداف	ساده	راهبرد، شبکه‌ای متسجم از اهداف منتشر در موقعیت مسئله است که مسیر تحقق هدف اصلی و نظام و کیفیت حرکت در این مسیر را نشان می‌دهد. اهداف عملیات نیز منتخبی از اجزاء شبکه اهداف منتشر یا راهبرد است.
۵	صرفاً باز	منافع	ساده	منافع، هر ستانده‌ای فراتر از هدف عملیات است که امکان و احتمال دستیابی به آن وجود داشته باشد.
۶	صرفاً محوری	لوازم	پایه	منظور از لوازم هر آن چیزی است که وجود آن برای انجام عملیات لازم است.
۷	صرفاً باز	منابع	ساده	منظور از منابع هر آن چیزی است که در فرایند اجرای عملیات و تولید محصول، مستقیم یا غیرمستقیم تبدیل می‌شود. لذا اگر کارکرد یک شیء در فرایند عملیات، تبدیل آن باشد، از منابع عملیات محسوب می‌شود.
۸	صرفاً باز	افزارها	ساده	ملاک تفکیک منابع از افزارها، تبدیل شوندگی است. منابع تبدیل می‌شوند و افزارها به کار گرفته می‌شوند. افزارها به سه دسته تقسیم می‌شود: مغز افزارها، نرم افزارها و سخت افزارها.
۹	صرفاً باز	عرصه‌ها	ساده	مراد از عرصه‌ها، میدان‌های حرکت و عمل در جانب افاده است. عرصه‌ها ناظر به چهار حوزه عمل اصلی، برگرفته از زنجیره محصول، عبارت است از: عرصه تولید، عرصه معرفی، عرصه فروش و عرصه تحویل.

ردیف	نوع کد	عنوان کد	سطح کد	شرح کد
۱۰	صرفاً باز	مجری	پایه	مجری، دامنه‌ای از مالک موقعیت، کارفرما، صاحبان مسئله، چاره‌گر و حامی، کنش‌ساز، مدیر عملیات تا کنشگر، در هر سطح و شأنی را شامل می‌شود، مشروط بر اینکه واجد خاستگاه مشترک عمل و آگاهی متناظر، خودانگیزگی و التزام درونی به انجام عملیات باشد.
۱۱	صرفاً باز	محصول‌پردازی (بهره‌سازی)	پایه	محصول‌پردازی، عمل اصلی مجری عملیات است و برگرفته از زنجیره محصول، مشتمل است بر: تولید، معرفی، فروش و تحویل محصول به مخاطب.
۱۲	صرفاً محوری	استفاده	رسته	مکمل جانب افاده، متناظر با مخاطب عملیات است و جانب استفاده نام دارد.
۱۳	صرفاً باز	ارزش	پایه	ارزش، ناظر به محصول تعریف می‌شود و به معنای ظرفیت محصول در تأمین نیازها، انتظارات و مطلوبیت‌های مخاطب یا مصرف‌کننده است.
۱۴	صرفاً باز	محصول	پایه	محصول یا خروجی عملیات، آن چیزی است که تأمین ارزش برای مخاطب، وابسته به دریافت و مصرف آن است.
۱۵	صرفاً باز	مخاطب	پایه	مخاطب، عنصری انسانی است که محصول را آگاهانه و هدمند، برای رفع نیاز یا دریافت ارزشی مشخص مصرف می‌کند.
۱۶	صرفاً باز	محصول‌ورزی (بهره‌برداری)	پایه	محصول‌ورزی، عمل اصلی مخاطب است و متناظر با شئون محصول‌پردازی، عبارت است از: شناخت، خرید، دریافت و مصرف محصول.

تشخیص و تعریف هندسه مناسبات کارکردی هستارهای عملیات فرهنگی، پیش‌نیاز صورت‌بندی ساختار هستی‌شناسی عملیات فرهنگی است. روایت عملیات فرهنگی، بیان روابط این هستارها و نمایاننده هندسه مناسبات آنهاست. از همین رو، در ادامه به عنوان یک ضرورت پژوهشی، روایتی از فرایند شکل‌گیری تا نتیجه‌دهی عملیات فرهنگی ارائه می‌شود.

روایتی از عملیات فرهنگی

تحقق نتایج هر عملیاتی، متوقف بر تحقق خروجی یا حصول محصول، اعم از کالا و خدمت است. برای وجوه تفاوت کالا و خدمت، در برخی منابع تا هفت وجه ذکر شده است. پژوهشگر، بنیادی‌ترین ملاک تفکیک کالا از خدمت را در نسبت ماهیتی

محصول و عمل تولید می‌داند. بدین صورت که در مورد کالا، ماهیت تولید، متفاوت از ماهیت محصول است؛ ولی در مورد خدمت، بین ماهیت محصول و ماهیت تولید، تفاوتی وجود ندارد؛ یعنی در خدمت، همان عمل یا مجموعه اعمال تولید خدمت، خود خدمت است. لذا هر نوع خروجی از اعمال ما را می‌توان محصول نامید. برای مثال، جملاتی که در پاسخ مشورت‌خواهی یک فرد بیان می‌شود، یک محصول از نوع خدمت است؛ حتی یک لفظ یا حرکت تشویقی نیز یک محصول است.

به هر تقدیر، «تحقق نتیجه» متوقف بر «تحقق خروجی» است. «تحقق خروجی» نیز مشروط بر «عمل عامل» و تحقق عمل عامل، متوقف بر دو شرط «التزام عامل»^۱ و «امکان عمل» است. ذکر این نکته لازم است که یکی از مصادیق تحقق نتیجه، «تعیین ارزش» ناظر به محصول است. بدین معنا که ارزش، در صورت وجود و تحقق محصول، امکان تعیین می‌یابد.

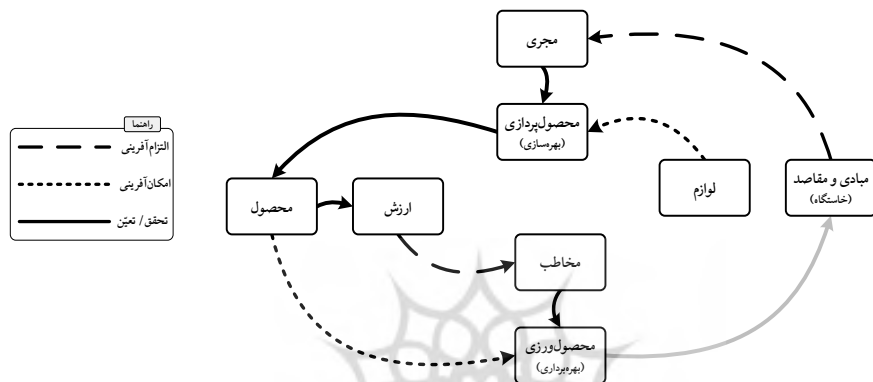
مبنتی بر این توصیفات، در هر تحقق نتیجه‌ای، وجود و تحقق پنج وجه «عامل»، «التزام عامل»، «امکان عمل»، «عمل» و «خروجی» تعیین‌کننده و نقش‌آفرین است. از نگاه کارکردی نیز در هر تحقق نتیجه‌ای وجود و تحقق پنج شأن کارکردآفرین لازم است: ۱. «التزام‌آفرین» با کارکرد التزام‌آفرینی عامل، ۲. «امکان‌آفرین» با کارکرد امکان‌آفرینی عمل، ۳. «عامل» با کارکرد عمل، ۴. «عمل» با کارکرد خروجی‌سازی و ۵. «خروجی» با کارکرد نتیجه‌آوری.

ترجمه و جایابی این کارکردها در هندسه عملیات فرهنگی، نه با نگاه خطی، بلکه از منظر چرخه‌ای امکان‌پذیر است. در شکل ۳، هندسه مناسبات کارکردی بن‌هستارهای عملیات فرهنگی نشان داده شده است. مبنتی بر این تصویر، روایت این پژوهش از عملیات فرهنگی بدین شرح است:

عملیات فرهنگی از مبادی و مقاصد آغاز می‌شود. منظور از مبادی عملیات، مبدأ پیش‌انسانی عملیات است. به عبارتی، مبادی، محرک مبدأ انسانی یا مجری برای حرکت است. مسئله و حل مسئله، بنیادی‌ترین مصدر و مقصد یک عملیات است. لذا اگر مبدأ را همان مسئله، متناظر با «بود آنچه نباید باشد یا بهتر است که نباشد و نبود آنچه باید باشد یا بهتر است که باشد» بدانیم، مقصد نیل به موقعیت «نبود آنچه نباید باشد یا بهتر است که نباشد و بود آنچه باید باشد یا بهتر است که باشد» است. مبدأ،

۱. حتی در موردی که عامل به اجبار و الزام دیگری، عملی را انجام می‌دهد، با توزین مضار و منافع عمل، خود را به انجام عملی که رغبتی به آن ندارد، ملتزم می‌کند.

عدم مطلوبیت محقق و مطلوبیت غیرمحقق و مقصد، مطلوبیت محقق و عدم مطلوبیت غیرمحقق است. مبدأ و مقصد به یک امر اشاره دارد و مرئی و منظر هر دو یکی است. یکی در مقام تمنا و تمایل و دیگری در مقام تحقق؛ یکی در قامت راندن، دیگری در قامت کشاندن؛ یکی در ذهن، دیگری در عین؛ بنابراین، عملیات را می‌توان حرکتی از مبدأ به سمت مقصد در یک فراگرد چرخه‌ای دانست.



شکل ۳. هندسه مناسبات کارکردی بن‌هستارهای عملیات فرهنگی

به هر حال مبادی و مقاصد، عامل التزام‌آفرین عامل یا مجری است. در عین حال، لوازم، امکان عمل را برای عامل فراهم می‌سازد. به تعبیری، لوازم برای محصول‌پردازی که همان مجموعه عمل اصلی مجری است، امکان‌آفرینی می‌کند. در صورت تحقق التزام عامل و امکان عمل، عامل یا مجری عمل، محصول‌پردازی را محقق می‌کند. محصول‌پردازی، منجر به تحقق ابعاد ناظر به محصول، از تولید تا معرفی و فروش و تحویل می‌گردد. بر این اساس، می‌توان گفت: محصول در شئون مختلف، خروجی عمل مجری عملیات است. شأن ذهنی محصول که نتیجه معرفی آن به مخاطب است، در التزام‌آفرینی مخاطب نقش دارد و شأن عینی محصول که با تولید و فروش و تحویل آن تحقق می‌یابد، امکان عمل محصول‌ورزی مخاطب را فراهم می‌کند.

شئون محصول‌ورزی، متناظر شئون محصول‌پردازی است؛ یعنی مصرف، متناظر تولید؛ دریافت، متناظر تحویل؛ خرید، متناظر فروش و شناخت، متناظر معرفی است. در کل، انتظار می‌رود محصول‌ورزی به تحقق مقاصد و تکمیل چرخه عملیات منجر شود.

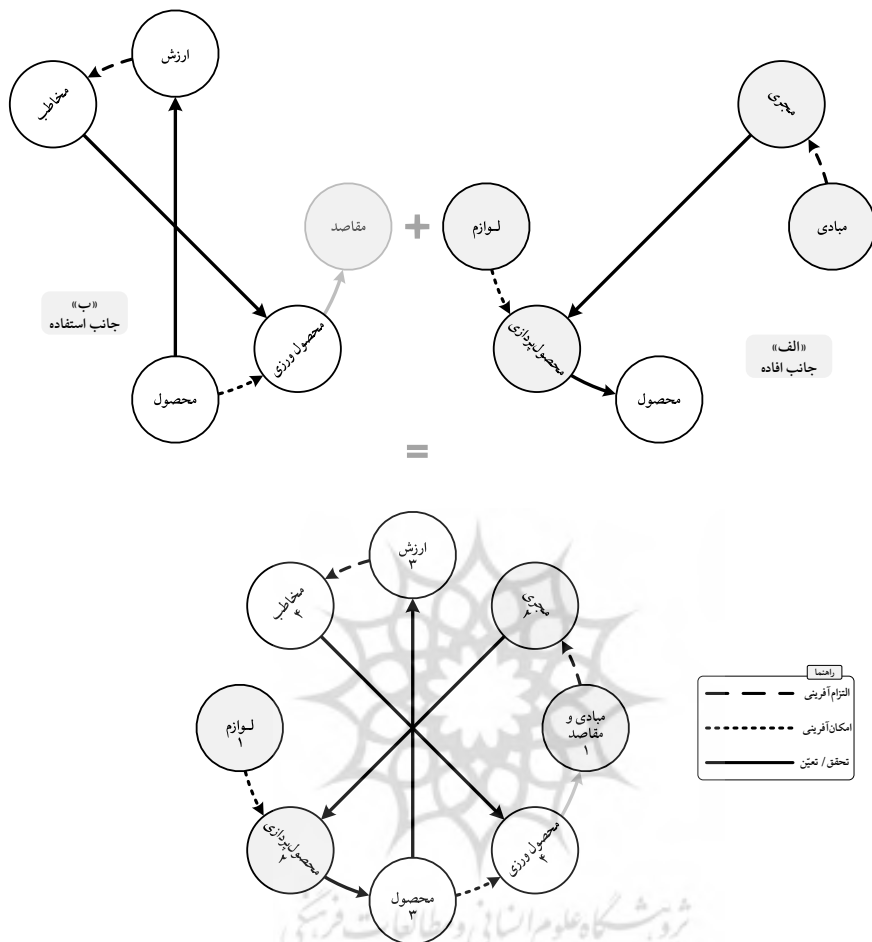
نتیجه‌گیری

ذکر این نکته ضروری است که چرخه نمایش داده شده در شکل ۳، هندسه مناسبات کارکردی بن‌هستارهای عملیات فرهنگی است، نه یک چرخه فرایندی که مسیر حرکت یا جریان کار را نشان دهد. هندسه مناسبات کارکردی، نظام روابط و مناسبات موجودیت‌ها را تبیین می‌کند و تبدیل آن به چرخه فرایندی و فراگردی، نیازمند تصویر و تبیین دیگری است.

به هر حال نتیجه‌ای که از این چرخه کارکردی دریافت می‌شود آن است که تحقق کامل عملیات فرهنگی نیازمند دو حرکت مکمل است: حرکت در جانب افاده^۱ یا مجری و حرکت در جانب استفاده یا مخاطب. حرکت جانب افاده، هرچند لازم است ولی کافی نیست. انگیزه‌های وظیفه‌مدار و تکلیف‌محور، ما را تا مرزهای انتهایی این سمت پیش می‌برد؛ ولی حصول نتیجه و تحقق هدف، بدون شک متوقف بر حرکت در جانب استفاده و تداوم چرخه عملیات است. اساساً تا وقتی مخاطب به میدان کنشگری نیاید، عملیات فرهنگی پیش نمی‌رود و به نتیجه نزدیک نمی‌شود. در ادامه، مبتنی بر روایت و نتیجه بیان‌شده، هستی‌شناسی عملیات فرهنگی در صورت‌بندی چرخه متقاطع، تشریح می‌شود.

هستی‌شناسی عملیات فرهنگی، صورت‌بندی چرخه متقاطع

ساختار هستی‌شناسی عملیات فرهنگی در صورت‌بندی چرخه متقاطع، مبتنی بر تفکیک و ترکیب دو جانب افاده و استفاده، در شکل ۴ نمایش داده شده است. همانگونه که در بخش الف این شکل مشخص است، مبادی در مقام التزام‌آفرین برای مجری و لوازم در شأن امکان‌آفرین برای عمل، محصول‌پردازی مجری را شکل می‌دهند و این محصول‌پردازی به تحقق محصول یا خروجی حرکت جانب افاده منجر می‌شود. در بخش ب این تصویر یا «جانب استفاده» عملیات، محصول در شأن امکان‌آفرین برای عمل مخاطب و ارزش‌ناظر به آن در مقام التزام‌آفرین برای مخاطب ظاهر می‌شود. این دو شأن، مخاطب را به عمل محصول‌ورزی می‌رساند و انتظار می‌رود محصول‌ورزی نیز در ادامه به تحقق مقاصد منتج گردد.



شکل ۴. ساختار هستی‌شناسی عملیات فرهنگی در صورت‌بندی چرخه متقاطع

همانگونه که در تصویر مشخص است وجه مشترک دو جانب افاده و استفاده، یا حلقه اتصال این دو سمت، محصول است. محصول از یک طرف، خروجی جانب افاده و از طرف دیگر، تحقق‌بخش ارزش و امکان‌آفرین عمل، در جانب استفاده است. این نقش، نشان‌دهنده جایگاه کلیدی محصول در عملیات فرهنگی است. بر خلاف بسیاری از دیگر انواع عملیات، در عملیات فرهنگی، کنشگری مخاطب تا سرحد خرید یا دریافت محصول، تمام‌کننده نیست و رضایت به این حد، پایان مطلوب را رقم نمی‌زند. شرط اولیه و بنیادین اثرمندی محصول، مصرف آن است. لذا ضرورتاً کنشگری مخاطب باید تا مصرف محصول ادامه یابد. تحلیل نقش محصول در عملیات فرهنگی،

«هستی‌شناسی عملیات فرهنگی»، صورت‌بندی چرخه متقاطع

مطالعه و نوشتاری دیگر می‌طلبد که پیشنهاد می‌شود، فرهنگ‌پژوهان عملیاتی در این باب نیز تأمل و تفحص نمایند.

در پایان، با توجه به آنچه در ابتدای بخش پیشینه پژوهش بیان شد، یکی از محدودیت‌های اصلی در انجام این پژوهش، خلأ مطالعاتی جدی در زمینه هستی‌شناسی عملیات فرهنگی است. بر همین اساس، این پژوهش را تا زمان انجام آن و تنظیم این نوشتار، می‌توان منحصر به فرد دانست. این پژوهش می‌تواند مقدمه طراحی و تدوین چارچوب تعریف عملیات فرهنگی و طراحی نظام مدیریتی اجرای این نوع از عملیات‌ها باشد. بدیهی است این طراحی‌ها مستلزم تعریف و انجام پژوهش‌هایی توسط محققان حوزه مدیریت فرهنگی است.



منابع و مأخذ

- بلیکی، نورمن (۱۳۸۹). *استراتژی‌های پژوهش اجتماعی*. (ترجمه هاشم آقابیک‌پوری). تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- جمشیدی، مهدی (۱۳۹۱). هستی‌شناسی فرهنگی آیت الله مرتضی مطهری. *فصلنامه علمی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، ۲(۱)، ۱۴۱-۱۶۶. DOI: 10.22059/jstmt.2012.54312
- چکلند، پیترو و پولتر، جان (۱۳۸۹). *یادگیری برای عمل*. ترجمه محمدرضا مهرگان و همکاران. تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.
- خالقی، امیرحسین (۱۳۹۱). جستاری بر رویکردهای چندپارادایمی و فراپارادایمی (چند/فراپارادایمی) در مطالعات سازمانی. *فرایند مدیریت و توسعه*، ۲۵(۲)، ۳۵-۵۱. DOI: 20.1001.1.17350719.1391.25.2.2.3
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۹). *فلسفه فلسفه اسلامی*. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- رشاد، علی اکبر (۱۳۹۱). *مجموعه دروس فلسفه علوم، فلسفه فرهنگ، هستی‌شناسی فرهنگ*. تهران: مدرسه فقاقت. از: https://eshia.ir/feqh/archive/text/rashad/falsafeh_farhang/90/910511
- صادقی مقدم، علی اصغر، خاتمی فیروزآبادی، علی و ربانی، یوسف (۱۳۹۰). استفاده از رویکرد ترکیبی SD و SSM برای حل مسائل اجتماعی غیرساختاریافته. *مدیریت صنعتی*، ۳(۲)، ۵۵-۷۶. DOI: 20.1001.1.20085885.1390.3.2.4.5
- صمدی‌فروشان، مرضیه و حسین‌زاده، مهناز (۱۳۹۸). فراترکیب پویاشناسی نرم سیستمی (SSDM) چارچوب مداخله سیستمی در حل مسائل پیچیده سازمانی. *اولین کنفرانس ملی تفکر سیستمی در عمل*.
- کرایب، یان (۱۳۸۶). *نظریه اجتماعی کلاسیک*. ترجمه شهناز مسمی‌پرست. تهران: نشر آگه.
- محقق، علی، انصاری، منوچهر، صادقی‌مقدم، محمدرضا و میرکاظمی‌مود، محمد (۱۳۹۷). ارائه چارچوبی برای ترکیب روش‌های مدل‌سازی سیستم‌های پیچیده فنی-اجتماعی با استفاده از فراترکیب تفسیری انتقادی. *چشم‌انداز مدیریت صنعتی*، ۸(۱)، ۹-۳۸.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰). *طرح‌های تحقیق با روش‌های ترکیبی: اصول پارادایمی و روش‌های فنی*. *مطالعات اجتماعی ایران*، ۴(۲)، ۸۱-۱۰۷. DOI: 20.1001.1.20083653.1389.4.2.5.5
- مصلح‌شیرازی، علی‌نقی، رعنائی، حبیب‌الله، ایمان، محمدتقی و تاجیک، مهدی (۱۳۹۵). روش‌شناسی سیستمی چندانگانه: رویکردی نوین در پژوهش‌های مدیریت. *روش‌شناسی علوم انسانی*، ۲۲(۸۷)، ۷-۳۲.
- موسسه مدیریت پروژه پی‌ام‌آی. (۱۳۹۸). *راهنمای پیکره دانش مدیریت پروژه، ویرایش ششم*. ترجمه مهدی ابراهیمی و علی بیاتی و محمدرضا صمیمی. تهران: انتشارات آریانا قلم.
- ویلیامز، باب و هاملبرون، ریچارد. (۱۳۹۳). *روش‌های کاربردی در تفکر سیستمی*. ترجمه عادل آذر و سعید جهانیان. تهران: نشر صفار.

- Bergman, M. M. (2008). *Advances in Mixed Methods Research: Theories and Applications*. London: Sage Publications.
- Blaikie, N. (1993). *Approaches to social enquiry*. Translated by Aghabigpuri, H. (2010). Tehran: Sociologists Publications. **[In Persian]**
- Checkland, P. & Poulter, J. (2006). *Learning for Action: A Short Definitive Account of Soft Systems Methodology and Its Use for Practitioners, Teachers and Students*. New York: Wiley.
- Checkland, P., & Scholes, J. (1999). *Soft Systems Methodology in Action*. New York: Wiley.
- Checkland, Peter & Poulter, John. (2006). *Learning for action: a short definitive account of soft systems methodology and its use for practitioner, teachers, and students*. Translated by Mehregan, M. (2010). Tehran: Mehraban book Publications. **[In Persian]**
- Craib, I. (1997). *Classical social theory*. Translated by Mosamaparast, Sh. (2007). Tehran: Agah. **[In Persian]**
- Daniels, H. (2004). Cultural historical activity theory and professional learning. *International Journal of Disability*, 51(2), 185-200. DOI: 10.1080/10349120410001687391
- Donaldson, L. (1996). *For Positivist Organization Theory*. London: SAGE.
- Donaldson, L. (1998). The Myth of Paradigm Incommensurability in Management Studies: Comments by an Integrationist. *Organization*, 5(2), 267-272. DOI: 10.1177.135050849852007
- Estabrooks, C.A., Field, P.A., & Morse, J. (1994). Aggregating Qualitative Findings: An Approach to Theory Development. *Qualitative Health Research*, 4, 503 - 511. DOI: 10.1177/104973239400400410
- Flood, R. L., & Jackson, M. C. (1991). *Creative Problem Solving: Total Systems Intervention*. Chichester: Wiley.
- Flood, R. L., & Jackson, M. C. (1991). Total systems intervention: a practical face to critical systems thinking. *Systemic Practice and Action Research*, 4(3), 197-213. DOI:10.1007/BF01059565
- Flood, R. L., & Romm, N. R. (1995). Enhancing the process of methodology choice in total systems intervention (TSI) and improving chances of tackling coercion. *Systemic Practice and Action Research*, 8(4), 377-408. DOI:10.1007/BF02253393
- Foot, K. (2014). Cultural-Historical Activity Theory: Exploring a Theory to Inform Practice and Research. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 24(3), 329-347. DOI:10.1080.10911359.2013.831011
- Gioia, D. A., & Pitre, E. (1990). Multiparadigm Perspectives on Theory Building. *Academy of Management Review*, 15(4), 584-602. DOI: 10.5465/amr.1990.4310758
- Hassard, J. (1988). Overcoming Hermeticism in Organization Theory: An Alternative to Paradigm Incommensurability. *Human Relations*, 41(3), 247-259. DOI: 10.1177/001872678804100304
- Howick, S., & Ackermann, F. (2011). Mixing OR methods in practice: Past, present and future directions. *European Journal of Operational Research*. 215(3). 503-511. DOI:10.1016/j.ejor.2011.03.013

- Howick, S., Ackermann, F., Walls, L., Quigley, J. L., & Houghton, T. (2017). Learning from mixed OR method practice: the NINES case study. *Omega*, 69, 70-81. DOI: 10.1016/j.omega.2016.08.003
- Jackson, M. C. (2003). *Systems Thinking: Creative holism for managers*. Chichester: Wiley.
- Jackson, N., & Carter, P. (1991). In Defence of Paradigm Incommensurability. *Organization Studies*, 12(1), 109-127. DOI: 10.1177/017084069101200107
- Jamshidi, M. (2012). Cultural ontology of "Ayatollah Morteza Motahari". *Social theories of Muslim thinkers*, 2(1). DOI: 20.1001.1.25385240.1391.2.1.6.1 [In Persian]
- Khaleghi, A. H. (2012). Multi Paradigm and Meta Paradigm Approaches in Organization Studies. *Management and Development Process*. 25(2), 35-51. DOI: 20.1001.1.17350719.1391.25.2.2.3 [In Persian]
- Khosropanah, A. (2010). *Philosophy of Islamic philosophy*. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publications. [In Persian]
- Kotiadis, K., & Mingers, J. (2006). Combining PSMs with hard OR methods: the philosophical and practical challenges. *Journal of the Operational Research Society*, 57(7), 856-867. DOI: 10.1057/palgrave.jors.2602147
- Kowalczyk, R. H. (2004). *The effectiveness of high-dependency care*. In *Systems modelling: Theory and practice*. Chichester: Wiley.
- Maurya, A. (2012). *Running Lean: Iterate from Plan A to a Plan That Works*. United States: O'Reilly Media.
- Midgley, G. (1997). Developing the methodology of TSI: From the oblique use of methods to creative design. *Systemic Practice and Action Research*, 10(3), 305-319.
- Mingers, J. (2001). *Multimethodology: Mixing and Matching Methods*. In: Mingers, J. & Rosenhead, J. (eds). *Rational Analysis for a Problematic World Revisited*. Chichester: Wiley.
- Mingers, J., & Brocklesby, J. (1997). Multimethodology: towards a framework for mixing methodologies. *Omega*, 25(5), 489-509. DOI: 10.1016/S0305-0483(97)00018-2
- Mingers, J., & Rosenhead, J. (2004). Problem structuring methods in action. *European Journal of Operational Research*, 152(3), 530-554. DOI: 10.1016/S0377-2217(03)00056-0
- Mohaghar, A., Ansari, M., Sadeghi Moghaddam, M. R., & Mirkazemi Mood, M. (2018). A Framework to Synthesize the Modeling Methods of Socio-Technical Systems using Critical Interpretive Meta-Synthesis. *Journal of Industrial Management Perspective*, 8(1), 9-38. [In Persian]
- Mohammadpour, A. (2011). Research designs with mixed methods: paradigmatic principles and technical methods. *Iranian Journal of Social Studies*, 4 (2), 81-107. DOI: 20.1001.1.20083653.1389.4.2.5.5 [In Persian]
- Mosleh Shirazi, A N, Ranaci, H, Iman, M T & Tajik, M. (2016). Multiple systems methodology: a new approach in management research. *Methodology of Social Sciences and Humanities*, 22(87), 7-32. [In Persian]

- Munro, I., & Mingers, J. (2002). The use of multimethodology in practice: Results of a survey of practitioners. *Journal of the Operational Research Society*, 53(4).
- Munro, I., & Mingers, J. (2002). The use of multimethodology in practice—results of a survey of practitioners. *Journal of the Operational Research Society*, 53(4), 369–378. DOI: 10.1057/palgrave.jors.2601331
- Osterwalder, A. (2004). *The Business Model Ontology—A Proposition in a Design Science Approach*. University of Lausanne, Switzerland.
- Osterwalder, A., & Pigneur, Y. (2010). *Business Model Generation: A Handbook for Visionaries, Game Changers, and Challengers*. Netherlands: Wiley.
- Pfeffer, J. (1993). Barriers to the Advance of Organizational Science: Paradigm Development as a Dependent variable. *The Academy of Management Review*, 18(4), 599-620. DOI:10.2307/258592
- Pidd, M. (2004). *Bringing it all together*. In: *Systems Modelling: Theory and Practice*. Chichester: Wiley.
- Pidd, M. (2004). *Complementarity in systems modelling*. In *Systems modelling. Theory and practice*. Chichester: Wiley.
- Project Management Institute. (2017). *Guide to the Project Management Body of Knowledge (PMBOK® Guide)—Sixth Edition*. Translated by Ebrahimi, M., Bayati, A., & Samimi, M. R. (2019) Tehran: Ary-anaghalam. [In Persian]
- Ramírez, R., Selsky, J. W., & van der Heijden, K. (2008). *Business Planning for Turbulent Times: New Methods for Applying Scenarios*. UK: Earthscan.
- Rashad, A. A. (2012). *Collection of courses on philosophy of science, philosophy of culture, ontology of culture*. Tehran: Jurisprudence School. https://eshia.ir/feql/archive/text/rashad/falsafeh_farhang/90/910511 [In Persian]
- Rodriguez-Ulloa, R. & Paucar-Caceres, A. (2005). Soft system dynamic methodology (SSDM): Combine soft system methodology (SSM) and system dynamic (SD). *Systemic Practice and Action Research*, 18(3), 303-334. DOI: 10.1007/s11213-005-4816-7
- Sadeghi Moghadam, A. A., Khatami Firozabadi, A., & Rabbani, Y. (2011). Using Combined Method of SD and SSM for Solving Unstructured Social Problems. *Industrial Management Journal*, 3(2), 55-76. DOI: 20.1001.1.20085885.1390.3.2.4.5 [In Persian]
- Samadiforushani, M., & Hosseinzadeh, M. (2019). Systematic soft dynamics metacomposition (SSDM) is a framework for systemic intervention in solving complex organizational problems. *First National Conference on Systems Thinking in Practice*. [In Persian]
- Sandelowski, M., & Barroso, J. (2007). *Handbook for Synthesizing Qualitative Research*. United States: Springer Publishing Company.
- Schultz, M., & Hatch, M. J. (1996). Living with multiple paradigms the case of paradigm interplay in organizational culture studies. *Academy of management review*, 21(2), 529-557. DOI: 10.5465/amr.1996.9605060221

- Sushil. (2018). Flexible Systems Methodology: A Mixed-method/Multi-method Research Approach. *Global Journal of Flexible Systems Management*, 19(2), 109-110. DOI:10.1007/s40171-018-0190-z
- Taket, A., & White, L. (1998). Experience in the practice of one tradition of multimethodology. *Systemic Practice and Action Research*, 11(2), 153-168. DOI: 10.1023/A:1022977301782
- Williams, B., & Hummelbrunner, B. (2010). *Systems concepts in action: A practitioner's toolkit*. Translated by Azar, A. & Jahanian, S. (2014). Tehran: Saffar. **[In Persian]**
- Willmott, H. (1993). Breaking the Paradigm Mentality. *Organization Studies*, 14(5), 681-719. DOI: 10.1177/017084069301400504
- Wu, P. P. Y., Fookes, C., Pitchforth, J., & Mengersen, K. (2015). A framework for model integration and holistic modelling of socio-technical systems. *Decision Support Systems*, 71, 14-27. DOI: 10.1016/j.dss.2015.01.006
- Zlatanović, D. (2017). Multi-Methodological Approach to Complex Problem Solving: The Case of Serbian Enterprise. *Systems*, 5(2), 40. DOI: 10.3390/systems5020040

